وضو را کامل نموده و بین انگشت ها را خلال کن و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی.

از لقیط بن صبره رضی الله عنه روایت است که می گوید: من نماینده ی بنی منتفِق بودم - یا در میان نمایندگان بنی منتفق بودم - که نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفتیم و ایشان را در خانه اش نیافتیم و ام المومنین عایشه را ملاقات کردیم؛ ایشان دستور داد برای ما آبگوشت درست کنند. و برای ما یک سینی از خرما آورده شد؛ در این هنگام بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و فرمود: «هَلْ أَصَبْتُمْ شَيْئًا؟ - أَوْ أُمِرَ لَكُمْ بِشَيْءٍ؟»: «آیا غذایی خورده اید؟ یا دستور آماده شدن غذایی داده شده؟». گفتیم: بله ای رسول خدا؛ با رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم که چوپان، گوسفندان را درحالی به آغل آورد که به همراه او بره یا بزغاله ای بود که بع بع می کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ««مَا وَلَّدْتَ يَا فُلَانُ؟»: «فلانی، چه زاییده است؟». چوپان گفت: ماده است. فرمود: «فَاذْبَحْ لَنَا مَكَانَهَا شَاةً»: «به جای آن گوسفندی را برای ما ذبح کن». سپس فرمود: «لَا تَحْسَبَنَّ - وَلَمْ يَقُلْ: لَا تَحْسِبَنَّ أَنَّا مِنْ أَجْلِكَ ذَبَحْنَاهَا، لَنَا غَنَمٌ مِائَةٌ لَا نُرِيدُ أَنْ تَزِيدَ، فَإِذَا وَلَّدَ الرَّاعِي بَهْمَةً، ذَبَحْنَا مَكَانَهَا شَاةً»: «گمان نکن به خاطر تو آن گوسفند را ذبح کردیم؛ ما تعداد صد گوسفند داریم که نمی خواهیم بر تعداد آنها افزوده شود؛ بنابراین چون بره ای به دنیا می آید، به جای آن گوسفندی را ذبح می کنیم». گفتم: ای رسول خدا، من زنی بد دهان دارم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «فَطَلِّقْهَا إِذًا»: «او را طلاق بده». گفتم: ای رسول خدا، همنشین من است و از او فرزند دارم. فرمود: «فَمُرْهَا يَقُولُ: عِظْهَا فَإِنْ يَكُ فِيهَا خَيْرٌ فَسَتَفْعَلْ، وَلَا تَضْرِبْ ظَعِينَتَكَ كَضَرْبِكَ أَمَيَّتَكَ»: «برو و او را به آرامی پند و اندرز بده، اگر در او خیری باشد به آنچه امرش می کنی عمل نموده و از تو اطاعت می کند؛ (در غیر این صورت) همسرت را همچون کنیزت نزن». سپس گفتم: ای رسول خدا، در مورد وضو به من بگو؟ فرمود: «أَسْبِغِ الْوُضُوءَ، وَخَلِّلْ بَيْنَ الْأَصَابِعِ، وَبَالِغْ فِي الِاسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا»: «وضو را کامل نموده و بین انگشت ها را خلال کن و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی».

[صحیح است] [به روایت ابن ماجه - به روایت ترمذی - به روایت نسائی - به روایت ابوداوود - به روایت احمد - به روایت دارمی]

صحابه ی بزرگوار لقیط بن صبره رضی الله عنه بیان می کند که وی نماینده ی قومش نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بود؛ عادت نمایندگان این بود که از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد مسائل مهم و مشکل سوال می کردند؛ و ام المومنین عایشه برای آنها شوربا و خرما می آورد؛ و چوپان رسول الله صلی الله علیه وسلم را می بینند که بره ی کوچکی به همراه دارد که تازه متولد شده است؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم به چوپان دستور می دهد گوسفندی را ذبح کند؛ و به نماینده ی مذکور خبر می دهد که به خاطر او این گوسفند ذبح نشده است تا گمان نکند با مهمان شدن او، رسول الله صلی الله علیه وسلم به مشقت افتاده و به این دلیل مهامانی اش را نپذیرد. یکی از سوالات لقیط رضی الله عنه این است که از کیفیت برخورد با همسری می پرسد که بد دهان است؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که درمان آن، پند و اندرز دادن زن می باشد که در این صورت اگر خیری در او باشد اصلاح می شود وگرنه راهی جز طلاق باقی نمی ماند. چنانکه لقیط را امر می کند همسرش را مانند کنیزش نزند. همچنین در مورد وضو سوال می کند و رسول الله صلی الله علیه وسلم برای او بیان می کند که کامل کردن وضو واجب است؛ به این معنا که هر عضوی از اعضای وضو که شسته می شود، کامل شسته شود و هر عضوی که مسح می شود، کامل مسح گردد. و سنت بودن خلال کردن انگشتان را بیان می کند تا از رسیدن آب به اعضای وضو اطمینان حاصل شود. اما اگر آب جز با خلال کردن انگشتان، بین آنها را خیس نمی کند، در این صورت خلال کردن انگشتان واجب است. سپس سنت بودن مبالغه در استنشاق برای کسی را بیان می کند که روزه ندارد؛ چون مبالغه در استنشاق برای کسی که روزه دارد با احتمال فرورفتن آب در شکم همراه است. و دلیل سنت بودن این عمل و عدم وجوب آن، تشویق به آن فقط در صورت روزه نبودن می باشد.

